

باقی سمندر
سرطان 1389
15 جولای
15-07-2010

کنفرانس کابل
یا مرکز کشاکشها، رقابت ها
و یا منافع متقابل؟



عکسی از سی و یک سال پیش از امروز
برزژنسکی رسماً مداخله عساکر و نظامیان پاکستانی در امور افغانستان و تاسیس و رهبری
نیروهای نیابتی شان را برای سطح بین المللی به نمایش گذاشت. اما امروز آن تفنگ ها و آن
نیروهای نظامی پاکستان و آی اس آی و جنگ و القاعده و طالبان و.. محصول کی ها اند و جهان
را به کجا کشانده اند؟
بایست بخاطر بسپاریم که بعد از کنفرانسهای :

- کنفرانس بن، دسامبر ۲۰۰۱ تشکیل دولت موقت به رهبری حامد کرزی
- کنفرانس توکیو، جنوری/ژانویه ۲۰۰۲ تعهد ۵/۴ میلیارد دلار کمک برای باز سازی
- کنفرانس برلین، مارچ/مارس ۲۰۰۴ تعهد ۸ میلیارد دلار کمک برای باز سازی
- کنفرانس لندن، فبروری/فوریه ۲۰۰۶ تعهد ده میلیارد دلار و امضای موافقتنامه افغانستان
- کنفرانس رم، جولای/ژوئیه ۲۰۰۷ بررسی نظام قضایی افغانستان

کنفرانس پاریس، جون/ژوئن ۲۰۰۸ ارائه برنامه ۵ ساله باز سازی و تعهد ده میلیارد دلار

کنفرانس لندن روز ۲۸ جنوری 2010 و با شرکت نمایندگان حدود ۷۰ کشور جهان برگزار شد. مذاکره با طالبان در این کنفرانس جایگاه خاص داشت و

" تصور می‌شد که موضوع اصلی در کنفرانس لندن با دو نگرش متفاوت میان «سیاستمداران افغانی» و «جامعه بین‌المللی» نوسان دارد. سوال عمده این بود که آیا رفتارهای سیاسی در افغانستان بر رشد دموکراسی و جامعه مدنی و حکومتداری خوب و حقوق بشر و رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی اتکا داشته باشد یا بر رعایت سنت‌های افغانی و خواسته‌های طالبان و کنار آمدن با تمام پیشنهاداتی که از طرف این گروه مطرح می‌شود؟ ". بی بی سی

- کنفرانس لندن در 28 جنوری (ژانویه) 2010 هشتمین کنفرانس عمده بین‌المللی بود که طرح مذاکره با طالبان و حذف نامهای رهبران طالبان از لیست سیاه ملل متحد در آن کنفرانس در شش ماه پیش صحبت شد. کنفرانس لندن تعهداتی را هم از سوی دولت افغانستان و جامعه جهانی توأم با نگرانی‌هایی بدنبال داشت و اینک :

کنفرانس کابل یا مرکز کشاکشها ، رقابت ها و یا منافع متقابل ؟

قرار است که اینبار افغانستان در کابل پایتخت خود مهمترین و بزرگترین کنفرانس بین‌المللی جهانی را که در ذات خود در افغانستان بیسابقه است در 29 سرطان 1389 و یا 20 جولای سال روان ، به ثبت تاریخ در قرن بیست و یک برساند. در این کنفرانس از آقای بان کیمون رییس ملل متحد تا خانم هیلاری کلینتون وزیر خارجه ایالات متحده امریکا و سی ونه وزیر خارجه، پانزده معین و نماینده گان دوازده سازمان معتبر بین‌المللی از هفتاد کشور اروپایی و امریکایی و آسیایی و... شرکت خواهند کرد.

این کنفرانس بانام افغانستان و جهان گره خورده و هنگامیکه این کنفرانس دایر میگردد ، بحران مالی ،

انرژی- تغذیه – محیط زیست و همچنان تغییرات جوی به شکل بیسابقه اش از کران تا کران روی زمین قابل دید و درک بوده و زمامداران اصلی جهان به ادامه انباشت سرمایه همواره بی رحم تر، متجاوز تر و منهدم کننده تر پیش میروند و از 500 تا 5000 کنسرن های چند ملیتی مجموعه عملکرد های اقتصادی و همچنان عملکرد های سیاسی جهان را کنترل میکنند و بیشتر از شش ملیارد انسان در روی کره زمین در میانه ای مرحله ای از هرج و مرج جهانی قرار گرفته اند که تا هنوز پایان این مرحله ای هرج و مرج معلوم نبوده و به چشم نمیخورد.

ما در دوران ای شا هد برگزاری سیمینار کابل میباشیم که بیشتر از یک میلیارد انسان بیکار بوده و بیشتر از سه میلیارد انسان در خط فقر و ملیونها انسانها در زیر خط فقر در روی کره زمین زندگی مینمایند. مریضی های رنگارنگ و بی خانمانی و بی سرنوشتی در بزرگترین و کوچکترین شهرهای همه قاره ها گرده انسانها را میفشارد. این کنفرانس روزی در کابل دایر میگردد که:

بیکاری، گرسنگی ، مریضی ، بی خانمانی، فرار از خانه و کاشانه ، زندگی در غربت و برگشت به وطن و صدها سرگردانی و فقر استخوان سوز، اعتیاد به مواد مخدر و کشت و خرید و فروخت مواد مخدر با شلاق فساد رنگارنگ اداری و حاکمیت مافیای ای گوناگون و کشتار انسانها در هر کوی و برزن افغانستان بویژه کابل از دور و نزدیک نمایان بوده و ثروت و غنا در یک قطب و بینوایی و فقر در قطب دیگر همه روزه بیشتر جلوه گر میگردد و انواع گوناگون تفرقه و تبعیض در هر ولایت و دهکده و روستا و شهر دامن زده میشود. این کنفرانس در شرایطی دایر میگردد که بی امنیتی را در هر گوشه و کنار مملکت میتوان باگوش و پوست خود لمس کرد .

در هنگام این برگزاری کنفرانس کابل و از کنفرانس بن یا پیترز برگ در جرمنی تا هنوز هم شیرازه اقتصاد روستایی و صنعتی از سالها بدینسو پاشیده بوده و گنج اندوزان در بانکهای خرد و بزرگ از ملیونها دالر و پوند و اوپرویی که در افغانستان سرازیر شده به گنج اندوزی مشغول اند و یاملیارد ها دالر نقدی و فزیکتی را رسماً از افغانستان به خارج بویژه در کشور های خلیج انتقال میدهند و شیپور رسوایی این دزدی آشکار به گوش عام و خاص رسیده و میرسد.

ولی در سراسر افغانستان بویژه در کابل هزاران کودک و مرد وزن در همین گرمی تابستان گرسنه و تشنه در روی سرک ها دست به گدایی، موتر شویی، بوت رنگی و اسپندی گری از بام تا شام مشغول بوده و یا مصروف فروش ساجق و سایر مواد تاریخ تیر شده اند. این کنفرانس در شرایطی دایر میگردد اگر چهار قرص نان رادر روی سرک یا جاده پل باغ عمومی کابل در فاصله ای یکهزار متری ارگ آقای حامد کرزی و جای نشست وزرا و کابینه اش یا در صد متری هوتل کابل سرینا و یا پنجاه متری وزارت عدلیه و یا صد متری وزارت فرهنگ و اطلاعات و یا در ده متری بلدییه و یا شهروالی و یا شهر داری و یا در سی متری وزارت مالیه و یا معادن و صنایع و یا وزارت معارف و یا خارجه و یا داخله و یا چهل متری افغانستان بانک یا بانک ملی بخواهی به بینوایان بدهی، به یک باره گی صد ها مرد و زن و کودک گرسنه به سر و رویت میریزند تا یک لقمه نان را بدست بیاورند و از تو عذر وزاری کنان یک لقمه نان میخواهند دست هایت را میبوسند.

این کنفرانس در شرایطی در کابل دایر میگردد که محیط زیست در سراسر افغانستان مورد ظلم و ستم و بهره کشی قرار گرفته و به تمام معنی از همه جوانب انسانهارا به انواع امراض دچار ساخته و از گند و کثافات گوناگون انسانها تنفس میکنند و بوی و تعفن در شهر ها بیشتر از هر وقتی مشمئز کننده تر گردیده است.

این کنفرانس وقتی دایر میگردد که تمام فساد اداری و انواع گندیدگی هارا توگویی در میان دریای کابل به نمایش گذاشته باشند و از سر وریش مرداری میبارد.

این کنفرانس در وقت و زمانی دایر میگردد که دشمنان زنان در سراسر افغانستان

دست بدست هم داده و سر بریدن و گردن بریدن زنان جز برنامه جنایت کاران زن ستیز بوده و رفتن دختران را به مکاتب و دانشکده و کار ممنوع اعلان کرده اند.

این کنفرانس در زمان و هنگامیکه در شهر کابل دایر میگردد که یک گروه منزوی و معلوم الحال تمام حق حیات و زندگی و گفتار و نوشتار و آزادی های مدنی و حقوق بشر را مانند نورو باستانی میخواهند حرام و ممنوع ساخته و دمار از روزگار مردم بکشند.

در زمان برپایی این کنفرانس شبح طالبان در سراسر کشور به گشت و وگذار بوده و همه نگران اند که آیا طالبانرا باز هم در کابل و سراسر کشور رسماً بر زندگی مردم مستولی میگرددند و با همراهی آقای کرزی و یارانش دمار از روزگار مردم میکشند و باز هم با ملیشه سازی و اربکی سازی بنام قوای کمکی پولیس خواب را از چشمان مردم میربایند و طالبان با تفنگ و چماق مشغول امر ونهی میگرددند از این نوع نگرانی ها و دهان نگرانی دیگر. این کنفرانس هنگامی دایر میگردد که افغانستان در مجموع جامعه مصرفی گردیده و انواع مواد مصرفی و تاریخ گذشته و تیر شده در افغانستان به مصرف میرسد.

این کنفرانس در زمانی دایر میگردد که در افغانستان به ویژه در کابل :

از دسترخوان تا تخم مرغ و پنیر و نان و شیرو چای و قهوه و یا گوشت و پیاز و میوه و تکه ها و پارچه های برای ساختن لباس و پوشیدنی و... از چادر سر تا پوشانیدن ستر عورت و حتی ایزار بندو کاغذ تشناب و یا سگرت و قطی نصور از بیرون مرز ها وارد میگردد و مواد مصرفی از پاکستان تا تاجکستان، از هند تا برازیل از ترکیه تا تهران، از پاریس تا لندن و ویانا و اسکند ناویا، از آسیا تا افریقا و امریکا از بام تا شام در روی دسترخوان یا سفره هر خانواده دارا و نادار، گدا و نا گدا حضور زنده و قابل دید و رویت دارد.

این کنفرانس زمانی در کابل دایر می‌گردد که نه رییس جمهور و نه وزیرایش و نه هیچ کدام شان برای یک دقیقه هم در مجامع عمومی و بازار-بازاری که خود طرفدار آزادی بازار و نیو لیبرالیسم اند، جرئت گشت و گذار و یا گپ زدن با مردم را ندارند و همه جا با محافظین و یا ورها و یا بادی گارد های شان گشت و گذار در موتر های ضد گلوله مینمایند.

این کنفرانس در کابل زمانی دایر می‌گردد که در کنار همه بحران ها، بحران بی اعتمادی را مانند اینکه خرمن ای از رزن را پاشیده باشند، در سراسر جامعه عمدا میپاشند و دامن میزنند.

در یک کلام:

این کنفرانس در کابل زمانی دایر می‌گردد که :

تفرقه بیانداز و حکومت کن شعار اصلی کسانست که در اریکه قدرت لم داده اند.

این کنفرانس در زمانی در کابل دایر می‌گردد که:

در روی خواسته ها و اهداف اصلی و حقیقی ایالات متحده امریکا ، اروپا ، جاپان و متحدین جهانی و منطقوی و همسایه های افغانستان پرده ساتری از پرنیان انداخته اند.

اگر من پرده را اندکی میدرم، امید وارم تراش و خراش اش چندان باعث آزار ممثلین یا اکتور های خرد و بزرگ این بازی بزرگ نوین جهانی نگردد. طراحان اصلی یا پالیسی میکران در سناریوی اصلی کنفرانس کابل هر یک سناریو های جداگانه و منافع جداگانه ای دارند و ممثلین شان در کنفرانس کابل نیز از بام تا شام و در روی و در پشت صحنه با مجموع مشاورین رنگارنگ و حاضر و غایب شان در گفت و شنود خواهند بود تا هر یکی از همدیگر اندکی سبقت جسته و یا نفع بیشتر را برای نسل خود و نسل های بعدی شان کمایی کنند.

گپ اصلی در مورد داد و گرفت و یا داد و ستد در قرن بیست و یکم در دوران گلوبالیسم و یا جهانی سازی است.

اگر کشور های بزرگ صنعتی یا گروه هشت رادر شمال با گروه بیست اندکی به شکلی اصلی جدا از همدیگر مطالعه مینمایم، به نظر میرسد که :

در ظاهر قضیه میان ایالات متحده امریکا و اروپا و جاپان همه در یک صف تقریباً واحد قرار داشته ، اما در هر خیز و جست ممثلین یا اکتور ها جدایی میان شان برجسته تر شده و شرنگ شرنگ تکان و اژه ها و جمله های سیاسی، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی ای رنگارنگ ای شان جرس کنان بگوش خواهد رسید.

در ایالات متحده اروپا هنوز استراتژی کلی زیبگنیو بریژنسکی از اعتبار بیسابقه برخوردار است.

من قصد ندارم تا شما را با خواندن و نوشتن و اقتباس بخش های کتابهایی بنام " گراند چیس بورد "

یا تخته شطرنج وی و یا کتابهای دیگرش و یا استراتژی اساسی

Zbigniew Brzezinski,

grand strategy --the grand chessboard

بریژنسکی در این نوشته تند نویسی خودم آزار بدهم .
همچنان مانند بریژنسکی خط گذار دیگری در ایالت متحده امریکا که

The Clash of Civilization and Remaking of political World order

سامویل ها نئیکتون و " چالش تمدن ها "

است و همه شما یقیناً با طرح‌ها و نوشته‌هایش آشنایی دارید از اینرو اهداف کلی ایالات متحده آمریکا در سطح جهانی روشن است و در افغانستان نیز در معاهده استراتژیک میان کابل و واشنگتن نوشته شده است که نمیخواهم شما را در این مورد نیز درد سر بدهم. در اروپا میان المان و فرانسه همسویی‌های در "اروپای کهن" دیده میشود و در قاره یا بریتانیای کبیر هم تمایل جدایی از خط چرچیل و یکه تازی در برابر ایالات متحده به مشاهده میرسد و این جدایی از واشنگتن به مفهوم نزدیکی به فرانسه و المان نیست. در کشور های اسکندناوی و هالند هم گپ‌های دیگری شنیده میشود که نشانه‌ای از یک صف واحد را نشان نمیدهد. همان طوریکه از کانادا موسیقی دیگری در کنار گوش‌ها نواخته می‌گردد. گروه‌های بویژه هند- روسیه و چین با طرح‌های خودشان در این کنسرت بین‌المللی در کابل شرکت مینمایند. چند گروه کوچک از بالکان را هم خواستار شرکت دادن در کوهپایه‌های هندوکش گردانیده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران از کنفرانس اسلامی با شیپور احمدی نژاد در حال نواختن آهنگی خود است و حرکات و سکنات چنان جالب دارد که به شکل و عرف غیر دیپلماتیک زلمی رسول وزیر خارجه افغانستان را در تهران فرا میخوانند تا بامنوچهر متکی صحبت نموده و خواسته‌های تهران را به گوشش پف کنند و اینکه به نیابت تهران کی هاتا حال گپ زده‌اند، من نمیخواهم در اینجا وارد بحث شوم.

در سعودی هم خادمین حرمین شرفین مشکل بحث در باره اسراییل و نوار غزه را برای بعد از کنفرانس کابل موقوف کرده‌اند و تلاشهایی زیاد و بی‌همتا دارند تا جریان طالبان را به نفع خودشان تجزیه نمایند و با داشتن روابط چند جانبه با القاعده و طالبان، بخشهای از طالبان را باز هم رسماً در حاکمیت کابل شریک سازند و اینکه نام چند نفر طالب و حزب اسلامی از لیست سیاه ملل متحد پاک خواهد گردید تا کرزی و یارانش در پاکستان و سعودی خود را راحت تر احساس نمایند، این را خواهیم دید ولی نمیتوانیم فراموش نماییم که از همین حالا اختلافات تهران و جده میخواهد به در و دیوار کنفرانس کابل سایه بیافکند.

جمهوری اسلامی پاکستان در اینجا با چند کارت یا قطعه بازی میکند و بیشتر از همه منتظر است تا دیگران سهم شیر و گرگ را ببرند و ممثلین یا اکتورهای سیاست در پاکستان به سهم اصلی خود یا سهم شغال و روباه در این مسلخ اندیشه‌ها و انسانها راضی نیستند. هرچند پاکستان پیشروی داشته و منافع بیشتری خود را در کنفرانس بیان دارد و تامین نماید به همان اندازه تحریکات هند بیشتر خواهد شد و یکبار دیگر اختلافات ایران و سعودی و پاکستان و هند شدت بیشتر خواهد یافت و به نیابتشان انواع گوناگون گپ‌ها در رسانه‌ها و کوچه‌ها و دشت و دمن راه خواهد یافت.

به هر پیمان‌ه‌ایکه اکتور ها و ممثلین هند پیشروی داشته باشند، بیشتر از آن اکتور ها و یا ممثلین چین هم در کنفرانس کابل و در بیرون از خود واکنش نشان خواهند داد و با تقویه موقف پاکستان هرگز پیش روی پاکستان را با بازی به سر نوشت تبت و ترکستان چینایی از چشم دور نخواهند داشت. نمیتوان چشم‌های خود را پت کرد و ندید که ایالات متحده آمریکا چگونه میان درزهای موجود فکری منافع هند و چین فانه گذاری میکند و این درزها را بزرگتر ساخته تا حتی پیمان‌های را نیز به شکل بیسابقه‌اش از هم دیگر بپاشانند و یگانه "ابرقدرت" بودن خود را به اثبات برساند.

امریکایی‌ها که خود را جز "جهان عیسوی" میدانند و در میان‌شان روس‌ها را ارتدکس میگویند، با چینایی‌ها که گویا پیروان و "بازماندگان کنفوسیوس" اند، با جاپانی‌ها که عاشق بودیسم اند و هندی‌های برهمن و پیروان هندویسم و بابیه ناک در زیر یک سقف باچند زعم

ور هبری که خود را نماینده یک هزار و چهارصد میلیون انسان مسلمان دنیا بویژه مسلمانان هردم شهید افغانستان جا میزنند ، در این کنفرانس کابل باهم مینشینند.
در کنفرانس کابل به شکل غیر مستقیم منافع اسرائیل و فلسطین هم اگر مورد بحث و فحش قرار نخواهد گیرد، اما منافع اسرائیل و فلسطین مد نظر خواهد بود و به یقین که درد شقیقه را از قبرغه ها میکشند.

در ظاهر امر پیروان لایسیسم ، سکولاریسم و مدرنیسم اعم از کنفوسیونیسم و بودیسم و برهمنیسم و هندویسم در یک سو و گویا انسانهایی "از قرن سیزدهم" بگفته وزرای لندنی باینیادگراها که از طیف های گوناگون اخوانیسم تا سلفیسم و طالبانیسم را در صف خود نهفته دارند و در کنار شان پیروان چهار طریقه و چهارده خانواده صوفی ایسم و مدرنیست های شرمندوک و خجول وطنی هم کم نیستند ، در سون دیگر در زیر یک سقف مینشینند.
پان اتلاننیست ها ، پان اسلامیست ها و پان ترکیست ها و پان ایرانیست ها و... از هفتاد کشور دنیا و انسانهایی از پنج قاره با کسانیکه خود را میراث خواران برحق امپراطوری مغلهای هند و بابر میدانند و کابل را پایتخت بهاری شان در عمق استراتژی چوهدری های پنجاب میشرند، همه زیر یک سقف مینشینند.
آیا میتوان گفت که :

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه

چون ندیدند حقیقت ، ره افسانه زدند

اما همین اکنون هاتف بگوشم زمزمه میکند که :

ای دل غمدیده حالت به شوددل بد مکن

وین سر شوریده باز آید بسامان غم مخور

هان مشو نومیدچون واقف نئی از سر غیب

باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور

ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند

چون ترا نوحست کشتیبان ز طوفان غم مخور

گرچه منزل بسی خطرناکست و مقصد نا پدید

هیچ راهی نیست که آنرا نیست پایان غم مخور

حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار

تا بود وردت دعا و درس قران غم مخور

اما ،

از هزار سال است که طبل جنگ صلیبی را نواخته اند و تا هنوز کشمکش در باره یورشلیم و بیت المقدس و فلسطین حل نشده است و کماکان این تلاش را نام دیگر نهاده اند. از زمانیکه پاپ اوربن دوم در 1095 میلادی برای افروختن جنگ صلیبی از ایتالیا وارد فرانسه گردید ، از همان زمان تاحالا خونین ترین جنگ ها برای دفاع از امپراطوری ها گاهی زیر بیرق صلیب مقدس یا زیر بیرق هلال جریان داشته و در میدان مصر و سوریه و فلسطین نه امروز صلاح الدین ایوبی وجود دارد و نه کسانیکه بتوانند مشکل فلسطین را در خود فلسطین حل کنند بلکه افغانستان را کشورپسا منازعه دانسته و با یک "پوست کونفلکت گفتن" پوست از جان مردم ما میکشند و کابل و افغانستان را میدان باجگیری های خود میسازند.
عده ای در کاخهای مرمرین و غرق در عیش نوش لمیده اند اما دعوای فلسطین را در افغانستان میخواهند حل نمایند.

عده ای مشکل کشمیر را در کابل حل میکنند و عده ای هم درد تبت و آسیایی میانه را ازگرده

های فر زندان کوهپایه های هندوکش میکشند.

هریکی بخاطر آرمان ها و منافع خود دلبری میکند.

دولت کابل و کارگذاران ایکه خواهان شریک ساختن طالبان و گروه گگ حکمتیار در قدرت سیاسی رسمی اند، در بیخ گوش خود برچه ای اس ای و زمامداران پاکستان را میبینند و مردم را دعوت به انقیاد میکنند و از این کنفرانس نیز مشروعیت میطلبند! همانطوریکه از " جرگه صلح" قطعنامه مشروعیت نامشروع خود را خواستند بدست بیاورند.

اینکه چه میخوانند بدست بیاورند، پنهان نیست و اما اینکه چه میتوانند بدست بیاورند، این موضوع در حاله ابهام قرار دارد.

پرواضح ومبرهن که ارگ نشینان میخوانند چیزی بدست بیاورند، اما در دنیا ی دادوستد سیاسی و اقتصادی و سرمایه بطور کلی باید پرسید که در بدل آنچه میخوانند بدست بیاورند، چه را باز هم از دست میدهند؟

چون در داد و ستد، گرفتن یک طرف معامله است و پرداختن طرف دیگر.

ارگ نشینان کابل که بنام افغانستان و مردم افغانستان در این معامله بزرگ می نشینند، چه

میخواهند بدست بیاورند و در بدل آن چه را از دست میدهند و چه تعهد هایی می بندند؟

آیا در بین کسانی که دل به اریکه قدرت خوش کرده اند، این سوال مطرح خواهد شد که در بازی بزرگ در قرن نژده میان امپراتوری روس و انگلیس تا چه حد از طول و عرض و بلندی و کوها و کوهنل های افغانستان بریده شد و سر انجام چگونه در قصر چهلستون میان عبد الرحمن فرزند افضل خان با دیورند معامله ای صورت گرفت و استبدادکماکان بیدادکرد و امروز از حامد کرزی گرفته تا اشرف غنی احمد زی و دیگران زبان های انگلیسی، اردو، عربی، فرانسوی، روسی و جرمنی را کم تر از زبان مادری خود نمیدانند، اما آیا فهمیدن زبان دیگران به مفهوم فهمیدن بار و منافع و آنچه در متن کلام و زبان شان نهفته است، خواهد بود و میباید؟

اگر یک امیر عبد الرحمن جفای بزرگی به مردم افغانستان و دو طرف خط دیورند و گرداگرد افغانستان کرد و 1893 تا حال جنجال اش به دو طرف خط دیورند و منطقه ادامه دارد، مسولیت جمعی حامد کرزی و اشرف غنی احمد زی و یاران شان در کابینه و بیرون در پیشگاه تاریخ چه خواهد بود و چه روزگاری بالای مردم هر دم شهید افغانستان باز خواهد آمد؟ شرکت کنندگان در سیمینار کابل به نمایندگی از کشور ها و قاره ها و فرهنگ ها و منافع دور و نزدیک خود از اروپا و امریکا و جاپان و هند و چین و روسیه و... سخن میگویند و در پشت سر شان نه شمشیر و تلوار بلکه پیمان اتلانتیک شمالی و صد ها پایگاه نظامی و یا پیمان شانگهای و صد ها کشتی های سر دریایی و زیر دریایی و انواع سلاح های مهیب و ذروی و کیمیاوی و هایدروجنی و بانکهای جهانی و آسیایی و صندوق ها و وال استریت ها و.....

و ترت و فرت هایی وجود دارد، که با خون ملیون ها انسان پدیده آمده اند، اما در زرادخانه فکری ارگ نشینان و وزرای افغانستان چه قرار دارد؟

توانایی دید شان تا چند فرسخ است؟

آیا میخوانند دنیای مدرن را در قرن بیست و یکم تابع منافع پیش مدرن ساخته و برای ادامه حیات سیاسی شان تاروپود افکار قبیلوی را رنگ و روغن مدرن بزنند و از تمام مردم افغانستان میخوانند تا خود را صد سال دیگر فدای منافع افکار پیش مدرن بسازند؟

پیش روی چشمانم میبینم که دو زن را در طی چند روز پیش از کنفرانس کابل در بدخشان از جاییکه فوزیه کوفی وکیل ای پارلمان می آید، سنگسار میکنند در گوشه دیگر در کرخ ای هری جاییکه گوهر شاد بیگم داشت، و زادگاه رنگین دادفر سپینا وزیر کابینه ای حامد کرزی است، سر دو زن را میبرند و حتی کودکی هفت ساله را به جرم جاسوسی در هلمند میکشند.

با تمام خون آشامی ها و جنایت های جنایت کاران حرفوی باید سر به آستان خون آشامان و پاسداران ای جهالت و جنایت و قباح و شرارت و فساد نسایید، بلکه بایست از منافع کوتاه مدت و دراز مدت مردم حمایه و دفاع کرد.

هریکی از این کنفرانس کابل توقع یا توقعاتی دارد من نیز نظرم را بطور ناتراش و ناخراش بیان میدارم.

به همین ترتیب همه انسانهایی قرن بیست و یکم که از کشورهای صنعتی و رو به توسعه و رو به انکشاف می آیند، با منطق و خرد مدرن کاردارندو در گوشه مغز خود هر کدام شان با خرد ناب کانت ها و فلاسفه از افلاطون تا هابرماس به سنجش می پردازند.

دیدگاه های مختلف در مورد چگونگی رفتن و بیرون شدن شان از کنفرانس کابل وجود دارد. انگیزه های شرکت در کنفرانس کابل با نتایجی که حاصل میکنند، متفاوت خواهد بود و این واضح است زیرا منافع همه یکسان و اشتباهی همه برابر نیست. اما اگر قهر نشوید میتوان گفت که این کنفرانس میتواند نشانه ای برای پیدا شدن ای نقطه عطفی در تقسیم مجدد جهان بعد از فروپاشی دیوار برلین بشمار آید. همه کسانی که خود را در "جنگ سوم جهانی" برنده میدانند، جنگی که سرد بود و کرخت بود و گرمی اش فقط در خون های ریخته شده یکنیم ملیون انسان افغانستان باید احساس میشود دریای خون جاری میگردد و به نیابت بزرگترین کشورها و قدرت های جهانی و منطقوی خون بیچاره ترین و غریب ترین انسان های مومن و مسلمان کشور من ریخته میشود. جنگ نیابتی ای که در یک طرف لشکری را بنام مجاهد مسلح میساختند و در طرف دیگر بنام "انقلابی" و ادامه دهنده انقلاب برگشت ناپذیر ثور! جنگی که در یک طرف آن :

یک گروه برای حفظ منافع و " سرحدات جنوب " اش هزاران نفر را در افغانستان مسلح ساخته بود و دیگری بخاطر منافع اش نقاب دفاع از اسلام را به چهره اش کشیده بود. از سی سال به اینسو این جدال به آهنگ های مختلف وزیر و بم باسر و بی سر به گوشم میرسد. از طرف دولت مداران کابل گفته میشود که :

تدارک همه جانبه امنیتی از طرف نیروهای افغانی و غیر افغانی برای برگزاری این سیمینار گرفته شده و خواهد شد و اشرف غنی احمد زی طراح آجندا و مهندس سیمینار از جانب ارگ نشینان است که میتوان طرح اش را در اخبار باختر خواند.

در وقت برگزاری خواهیم دید که آیا نماینده های با مسوولیت از هفتاد کشور بزرگ و خورد دنیا یا کمتر از آن در کابل به زیر یک سقف خواهند نشست و در مورد ادامه گپ ها و فیصله های سیمینار لندن و " جرگه مشورتی صلح " در کابل صحبت هارا بسوی ای پیش خواهند برد که منافع دراز مدت ، میان مدت و کوتاه مدت شرکت کنندگان سیمینار را در افغانستان بالای دولت افغانستان تامین خواهند کرد و یا اینکه کشاکشها و رقابت های جهانی و منطقوی باز هم منافع ملی و تاریخی افغانستان را زیر شعاع قرار خواهد داد ؟

آیا همه آنهایی که خود را متمدن میگویند، در این کنفرانس یکبار دیگر طالبان و گروه گگ حکمتیار را برگزیده مردم ما رسماً سوار خواهند نمود و بعداً اشکال مختلف بحران و کشاکشها و رقابت ها را دامن خواهند زد؟

من پیش از اینکه این تند نویسی را بپایان برسانم ، به سخنان داهیان آنتونیو گرامشی می اندیشم..

" من بد بینم بدلیل عقل و ادراک ، اما خوشبینم بدلیل قصد و اراده "

من هنوز در افغانستان نیروی عظیمی از انسانها را میبینم که تسلیم هوا و هوس طالبان نیسم و گروهک حکمتیار و یارانش نمیشوند و هرگز نمیخواهند تا افغانستان صوبه پنجم پاکستان گردد.

انهایی که نگذاشتند تا افغانستان جمهوری شانزدهم شوروی و یا یکی از اقمارش گردد، به یقین که هرگز نخواهند گذاشت تا افغانستان و مردمش را بسوی اسارت دایمی سوق بدهند. این رمز نیست اشکار برای بقا و زندگی در دامنه های هندوکش.

پنج شنبه سرطان 1389
جولای 15-07-2010
